

# جام جم

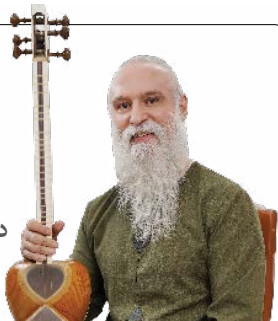
## ایران فرهنگی و رای مرزهای سیاسی

در گفت‌وگوی «جام جم» با محسن سوهانی، مدیرکل هنرهای نمایشی و رادیو نمایش مطرح شد

صفحه ۸

### سلیقه‌سازی علیه موسیقی سنتی

داود آزاد معتقد است موسیقی یک پدیده متافیزیکی است که در تمام لایه‌های زندگی ما جاری و ساری است



۱۱

### در جست‌وجوی هویت نسل زد

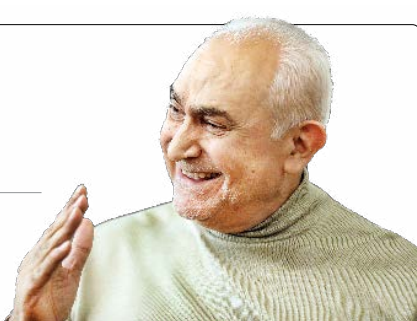
مسعود فرجام معتقد است، «آذر هفت صبح» داستانی از تصمیمات سرنوشت‌ساز را به تصویر می‌کشد



۱۰

### در ستایش صدای ممدوح

روایت «جام جم» از دیدار با «مرد لبخند»



۶۱

#### زاویه دید

## ما ولی فقیه داریم

مؤمنان واقعی به ولایت ولی فقیه، در مقاطع مختلف و بحران‌ها و رویدادها باید نه از ولی زمانه عقب بمانند و نه از او پیشی گیرند



والیت فقیه، مقام حکمرانی انسانی است که پیشرانی جامعه در توحید و سیاستگذاری کلان بر مبنای تکالیف الهی و کاروانسالاری و بلدره‌ودانای دین بودن در جامعه اهل ایمان، از وظایف اوست؛ وظایفی که تنها در صورت پذیرش و پیوستگی یک ملت به انجام می‌رسد. رهرو راه خدا بودن و رهبری الهی در دنیایی پر از مفاک‌کفر و ظلم و ظلمات و جهل و ناتوانی کشیده شده‌اند. مردمی مستکبرین و سیطره طاغوت و فراعنه خون‌ریز و مفسد در زمین، کاری آسان نیست؛ دنیایی که بر آن، پیامبرکش‌ها و پیامبران و اهل تکتار و گناهان کبیره و قتل نفس و زگان خون‌آشام حکم می‌رانند و در راس قدرت قرار دارند. میلیاردها انسان اسیر این دولت‌های دجال شده‌وبه استضعاف، جهل و ناتوانی کشیده شده‌اند. مردمی که قدر انسانیت خود، قدر آگاهی و توانایی و قدرت اراده و نجات‌از دوزخ نفرین‌شدگان زمین را نمی‌دانند و خود چنان زندانی زندان آهنین شده‌اند که مجال اندیشیدن به انلاف عمر و عاقبت این زندگی در تاریکی و همرنگ آل شیطان شدن را درک نمی‌کنند. اسیران عصر غیبت که برای شان شقای عصری تمدنی و نجات از جنگ تاریخ استکباری، آدمخواری و وحشیگری تنها یک راه دارد: ظهور عدل و عادل موعود موجود(عج)؛ و تا آن زمان، باز اهل ایمان یک راه دارند: مقاومت در برابر شیطان قدرت و کفر ظالم.

#### پیش‌افتادن و پس‌افتادن ممنوع!

بدیهی است قدرت‌های شیطانی دنیا و انواع بی‌ایمانان و دنباله‌روهای طاغوت و استکبار و اهل جهل و فریب‌خوردگان دنیا و... این ولایت نجات‌بخش را نمی‌خواهند و باز بدیهی است که روشنفکران غربگرا نظراً و عملاً تابع ولی فقیه نیستند

#### سلیمانی‌وار گوش به فرمان ولی فقیه باشیم

این سخنان به معنی آن است که در دنیا همیشه دشمنان حق و طاغوت‌ها و فراعنه و شایطین و ظالمان و مجرمین و کفار، مصائب و فجایع و فتنه‌ها و رنج‌ها و کشتارها و غارت‌ها پدید می‌آیند و اهل ایمان به تکلیف عمل می‌کنند و تکلیف‌شان پیروی از رهبری الهی است. پس در وضع کنونی هم در برابر سیاست‌های ضدمردمی نولیبرال‌ها و نارضایتی‌آفرینی‌های حاصل فشار به محرومان و رساندن‌شان به نقطه جوش، باید با همه وجود و مستنداً و روشنگری کرد و هرکس پاسخی دارد در محضر خدا و حضور مردم بیان کند اما وقتی



احمد میرحسان نویسنده و منتقد

#### داستان زبان پارسی؛ راهگشای راه ناهموار

را در ساخت‌های نحوی، واژگانی و سایر ویژگی‌ها به خوبی نشان می‌دهند و پژوهشگران درمی‌یابند که زبان دوره باستان چه ویژگی‌هایی داشته و از آنها چه چیزهایی به دوره میانه رسیده است.

نکته شایان توجه آن‌که دوره‌های زبانی به تدریج و بر بستر زمان به مرور جای همدیگر را می‌گیرند و تحولات زبانی یک شبه اتفاق نمی‌افتد. از انقراض هخامنشیان در ۳۳۰ پ.م تا پایان دوره سلوکیان و اشکانیان در حدود ۲۲۴ میلادی و از آن زمان تا پایان دوره ساسانیان در ۶۵۱ م به طور تقریبی حدود هزار سال می‌شود، در این مدت زبان دوره دیگری دارد که به آن دوره «میانه» می‌گوییم. زبان‌های این دوره نیز عبارتند از: «پهلوی»، «پارسیک»، «سغدی»، «خوارزمی»، «ختی» و «ثخاری»؛ با این توضیح که برپایه پژوهش‌های زبان‌شناسان «پهلوانی» گونه‌های شفاهی یا محلی زبان پارسی و «پارسی» گونه نوشتاری آن است. با این احتساب زبان پارسی از ۶۰۰ سال پیش از میلاد (ظهور زرتشت) تا ۶۵۱ میلادی حدود ۱۲۰۰ سال سابقه مکتوب و موجود دارد، هرچند ممکن است پس از این پژوهشگران به اسناد دیگری دست یابند که این تاریخ را عقب‌تر ببرد. با ظهور اسلام و ورود به سرزمین ایران و پس از حدود سه سده دوری از زبان اداری و دیوانی به دوره بازآفرینی و بازپایی قدرت و عظمت خود می‌رسد؛ برپایه هویت‌جویی، ایرانیان مسلمان می‌خواستند «ایرانی مسلمان» یا مؤلفه‌های ملی خود باشند و از این رو جنبش‌های موفق فرهنگی و زبانی بر تحركات نظامی بی‌حاصل پیروز شد و زبان توانست فریاد هویت‌خواهی ایرانیان را به منصفه ظهور برساند. پس از اقدام شجاعانه و همراه با جسارت یعقوب لیث صفاری (۲۲۵-۲۶۵ ق) بنیانگذار نخستین دولت ایرانی در سیستان که چون او را چنین مدح کردند: قَدْ أَكْرَم... اَهْلَ الْمَصْرِ وَ الْبِلَدِ، یُمْلِكُ یَعْقُوبُ ذِی الْاَفْضَالِ وَ الْعَدَدُ که گفت: «چیزی که من اندر نیایم چرا باید گفت؟» نیاز هویتی مردم به جنبشی فراگیر تبدیل شد و از آن پس بود که رودکی در نیمه سده چهارم از سمرقند شعر گفت و «پدر شعر پارسی» شد و «خدای نامه‌ها» به پارسی برگردانده شد و با کوشش ابومنصور المعمری و به همیاری جمعی از دانشمندان شهرهای دور و نزدیک از هرات، سیستان، نیشابور و توس «شاهنامه ابومنصوری» به نثر نوشته شد و پس از آن «شاهنامه دقیقی‌توسی» و سپس «شاهنامه فردوسی» (رخ از نقاب بیرون کشیدند نظم و نثر پارسی ققنوس‌وار دوره جدید را به استواری از سرگرفتند. بنای برافراشته زبان پارسی که به تعبیر فردوسی «که از یاد و باران نیاید گزند» محصول تجربه زبان در هزاره پیش از آن بود که توانست بر پی و پایه‌ای ریشه‌دار و سخته بنیان نهاده شود.



محمد جعفر محمدزاده پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

زبان مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی و بنیاد فرهنگ و تمدن است. بر بستر زبان حماسه خلق می‌شود، اسطوره زنده می‌ماند و افسانه‌ها جاری می‌شوند؛ زبان بستر اندیشه است و هویت فکری، فلسفی و فرهنگی ملت در زبان یافتنی است. زبان بی‌ریشه و در سرد و گرم روزگار و در تندباد حوادث بر باد فنا می‌رود. با زبان سخته میراث ادبی و فرهنگی نسل‌ها تداوم می‌یابد و پیوند نسلی برقرار می‌شود. زبان پارسی دارای چنین جایگاهی است و راه دور و درازی را سپری کرده تا به اینجا رسیده است. برای شناخت ارزش‌های زبان فارسی باید راه‌ها و کوره‌راه‌های «زبان» و «زمان» را شناخت که از کجاها تا اینجا رسیده و چه تحولات و تطوراتی را از سرگردانده است.

برپایه دست‌آورد زبان‌پژوهان، زبان‌های مردم کره خاکی به پنج گروه عمده تقسیم می‌شود: زبان‌های هندواروپایی، اورالی، آلتایی، سام و زبان‌های منفرد (یعنی زبان‌هایی که خویشاوندی آنها با یکی از زبان‌های چهارگروه پیشین اثبات نشده است؛ گرچه در سرزمینی مانند هند یا ایران باشند زبان‌سومری و بابلی و اکدی در حوزه تمدنی ایران). زبان پارسی در گروه زبان‌های «هندوایرانی» یا «هندوآریایی» است که خود دست‌کم به ۱۱ زیرگروه گسترده تقسیم می‌شود. قلمرو سرزمینی گروه هندوایرانی از منتهی‌الیه سرزمین چین تا غربی‌ترین نقاط ایران و تمام شبه قاره هند و... است و البته در دوره‌های تاریخی گاه تا قلب اروپا در بالکان و گاه تا شمال آفریقا گسترده شده است که در بخش توسعه زبانی به آن خواهیم پرداخت. گروه هندوایرانی به دو شاخه «ایرانی» و «هندی» تقسیم می‌شود. صرف نظر از این دوره چندگونه زبان اند: «مادی»، «سکاکی»، «اوستایی» و «پارسی باستان». این آثار اعم از کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها و... سیر تحول ساختار زبان

خود را اسیر احساسات کور نمی‌کنند و از فشار و مرگ نمی‌هراسند، وقتی بارها آزمودند که یک مرجعیت الهی یا عقل روشن، علم برتر، عمل صالح، شجاعت مسلج و اشراف بر همه وقایع، مردم را در جنگ و صلح به‌خوبی در چارچوب مقاومت موجود داهیانه راهنمایی کرده، در بزرگه‌ها و پیچش‌ها و سختی‌ها و کشتارها و قتل و سکوت‌ها و شکنجایی‌ها و... از او پیش نمی‌افتند. چون ایمان و انکال به خدا و دین و اعتماد به مرد پیشران مومن عاقل، مدبر، شجاع، بدون هوای نفس و ایمانی مستحکم و تا پای جان ادامه‌دار است. جان می‌بازد در راه خدا و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امام‌حی و بهترین منادی راه قرآن و عترت و ایمان و به معصومان سرپرست آنهاست در شب دیچور انتظار، پس از چه بپراسند؟ از شهادت؟

#### پیروی از ولی، چون جران‌دارد

منظورم آن نیست که انتقاد به مثلاً دورویی یک رئیس مجلس یا یک مشاور رئیس جمهوری و یا یک فرمانده نظامی یا رئیس جمهوری تسلیم غربگرایان و مدبیرانی با عدم تفکر متفی و مردم‌سالارانه و مردم‌دوستانه و انقلابی و با اصرار به داشتن نگاه بروکراتیک و تکنوکراتیک و قدرت‌مدار غلط است. اتفاقاً این شجاعت نقد آزاد ضروری است و فقط در نظام‌های مستبد پیرامونی و شاه‌مسلکی حرام است اما نکته آن است که اگر آن فقیه عادی و عاقل و شجاع و مدبر... سیاسی را پیشه کرد، افراد مومن ولو با نظر دیگر نمی‌توانند پیرو آن نباشند و کسانی که نه مسلح به یقین و معرفت بر هدایت قرآن و وحی الهی و نه فقیه و نه دارای قدرت تغفل آرموده و شجاعت و روشن‌بینی و دشمن‌شناسی و اشراف بر ظاهر و باطن اوضاع هستند، نباید چوب‌لای چرخ شوند و به بهانه‌های مختلف، جهل را به جای عقل نباشند و توقع پیروی از ماجراجویی و رفتار نادرست ناپهنگام و ناجا به سود دشمن داشته باشند.



متن کامل

سیاستی از سوی رهبری فقیه اعلام شد تنها نهان‌روشان علیه آن داد و قال راه می‌اندازند و با جهل، تفرقه در وحدت عمل به دنبال رهبری ایجاد می‌کنند که به‌ضرر مقاومت حقیقی است. در اوضاع دشوار کنونی مومنان واقعی ظلم‌ستیز و ضد استکبار جهانی موظفند که چون سلیمانی‌ها و سیدحسن نصر...ها و سیدهاشم‌ها و هنیه‌ها و سنوارها گوش به فرمان ولی فقیه باشند و فقط رفیق روزهای پیروزی کوتاه‌مدت نباشند، بلکه بار مقاومت طولانی باقی بمانند و بر اصول آرمان‌های داخلی و سیاست خارجی برحق انقلاب اسلامی پایداری به‌خرج دهند.